

چای دیش و بازی دوسرباخت در دادگاه‌های غیر علنی



علی مجتهدزاده

وکیل دادگستری

بیش از سه دهه است که از تلاش و اصرار مکرر حقوقدانان برای اجرای درست اصل ۱۶۵ قانون اساسی که بر انجام «محاکمات علنی» تأکید کرده و برگزاری دادگاه غیر علنی را استثناء می‌داند، می‌گذرد. موضوع این است که اجرای این اصل در نظام قضایی ما برعکس شده است. یعنی عموم محاکمات و خصوصاً نظر به پرونده‌های مهم و پر حاشیه به صورت غیر علنی برگزار می‌شوند و فقط در مواردی کاملاً استثناء شاهد برگزاری دادگاه علنی هستیم. هر چند همین هم نباید تا گفته بماند که این دادگاه‌های علنی هم آنچنان با استانداردهای قضایی و حقوقی همخوانی ندارند و عموماً منظور از علنی بودن دادگاه‌ها حضور چند رسانه از پیش تعیین شده و انتشار گزارش‌هایی رسمی است. در کنار این هم بحث تحقیق و گزارش دهی مستقل رسانه‌ها از پرونده‌های مهم که برعکس اکثر دنیا، در نظام قضایی ما کاملاً تعطیل و متوقف است. سخت به یاد داریم آخرین باری که یک رسانه مستقل توانسته باشد آزادانه و بدون نگرانی از در سسرهای بعدی روی پرونده مهمی تحقیق کند و یافته‌های خود را در معرض عرضه به افکار عمومی قرار دهد، چه زمانی بود. همین الان، عمده کار رسانه‌ها در این زمینه چیزی بیش از بازتاب و بهتر بگوییم، کپی کاری گزارش مراجع رسمی نیست. این نه از باب کارنا بلدی و تنبلی و ناتوانی مطبوعات و رسانه‌ها بلکه از جهت بسته بودن مسیر تهیه این گزارش‌های تحقیقی و مستقل است. چرا که این کار که در دنیای ارتباطات یک روال عادی و از اصلی‌ترین کارویژه‌های رسانه‌ها محسوب می‌شود، در کشور ما عموماً به چشم یک عمل مجرمانه و ممنوع نگریسته می‌شود. به رسمیت شناختن ارزش‌هایی مانند آزادی بیان، حقوق شهروندی و تغییرات دموکراتیک قدرت و رویه‌هایی مانند همین برگزاری دادگاه‌های علنی برای هیچ نظام سیاسی آسان و بدون دردسر نیست. اما اینکه در نظام‌های حقوقی-سیاسی پیشرفته دنیا، حاکمیت‌های مختلف این ارزش‌ها و رویه‌ها را پذیرفته و در برابر آن گردن نهاده‌اند از باب نادانی آنها نبوده و اینطور نیست که می‌خواسته‌اند خود را به حمت ببندازند. در واقع، در برابر زحمات مقطعی پذیرش این ارزش‌ها و رویه‌ها برای حکومت‌ها، آورده‌های استراتژیک، بلندمدت و پایداری وجود دارند که متضمن یک ثبات عمومی هستند که خود حاکمیت هم از آن بهره می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، آنها در دسرهای کوچک‌را به جان می‌خرند تا در چاه مسائل بزرگ‌تر و پیچیده‌تر نیفتند. همه اینها را گفتیم تا برسیم به اتفاقی که بعد از صدور رای پرونده چای دیش و واکنش‌هاییه آن رخ داد. یکی از مهمترین بخش این واکنش‌ها اعتراض تقریباً هم‌اهنگ جریان اصولگرایی حامی دولت سیزدهم بود که تقریباً به صورت یکدست از پذیرش این رای سر باز زده و حتی علناً معترض دادگاه و قوه قضائیه شده‌اند؛ از روزنامه کیهان و رئیس سازمان تبلیغات

اسلامی بگیرد تا چهره‌های دیگری مانند سخنگوی دولت سیزدهم

و معاون وزیر سابق ورزش و قهرست بلندی از روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی. دستگاه قضایی برای بیش از سه دهه به دلایل مختلفی که یکی از مهمترین آنها پیوند خوردن فرایند دادرسی‌ها با منافع همین جناح سیاسی بود، از برگزاری علنی دادگاه‌ها سر باز زده است. همواره هم همین جریان سیاسی چه پیدا و چه پنهان، مدافع فرآیند عمدتاً غیر علنی برگزاری دادگاه‌ها بوده‌اند. چرا که دادگاه و حکم قضایی را به مثابه اهرم فشار سیاسی خود در رقابت‌های جناحی دیده‌اند. البته این نگاه هم در موارد زیادی برپیراه نبوده و تاریخ نشان می‌دهد که چه محاکمی فقط بر بستر دعوای سیاسی و نه فرآیندهای دادرسی عادلانه و اجرای منصفانه قانون برگزار شده‌اند. اما این فرایند حتی اگر سه دهه هم طول بکشد، فرآیندی نیست که بتواند منافع طرفی را به شکل درازمدت تأمین کند. واکنش‌ها به احکام پرونده چای دیش را باید در همین چار چوب دید؛ یعنی جایی که حکم قضایی دیگر مورد نظر حامیان سیاسی دستگاه قضا نیست. درست همین جاست که اشکال ورود قوه قضائیه به دستبندی‌های سیاسی آشکار می‌شود و معلوم می‌شود که منافع درازمدت استقلال برای این نهاد چیست. دستگاه قضایی در سال‌های طولانی خود را در برخی حوزه‌ها چندان ملزم به اقتناع افکار عمومی و جلب رضایت و اعتماد آنها نمی‌دانست و اعتماد و حمایت بخشی از جریان‌های سیاسی را کافی می‌دید. چرا که عموماً صدور هر حکمی پشت درهای بسته حمایت آن بخش سیاسی را به صورت اتوماتیک در پی داشت. حالا در نقطه‌ای که مملکت به پرونده‌ای چون چای دیش رسیده، این مسیر اشکال بنیادین خود را به رخ کشیده است؛ جایی که عدم شفافیت مراحل دادرسی و عدم امکان تحقیق مستقل در این خصوص همچنان افکار عمومی را به معنای درست قانع نکرده است و در آن سو حامیان سنتی قوه قضائیه هم در جایگاه اعتراض قرار گرفته‌اند. چنین وضعیتی حتی با غلظت و شدت بیشتر می‌تواند برای پرونده‌ای مانند کرسنت هم تکرار شود، به این صورت که نتیجه نهایی دادگاه هیچ طرفی را در داخل راضی نکند و هر کسی سوالات و اشکالات اساسی خود را همچنان داشته باشد. رویه پراشکال برگزاری محاکم و دادرسی پرونده‌ها هر چه جلوتر برود ناراضیان بیشتری به دنبال خود خواهد داشت. رئیس دستگاه قضایی بارها به درستی بر لزوم اصلاح این رویه‌ها و از جمله مبنا قرار دادن برگزاری علنی محاکم و یا عدم دخالت ضابطان در فرآیندهای دادرسی تأکید داشته است. اما متأسفانه در عمل همچنان اتفاق دیگری در بزنگاه‌های مهم در حال رخ دادن است و این پروسه نمی‌تواند هیچ طرف راضی در این تقابل‌های قضایی داشته باشد. بیم اصلی این است که این مسیر یکی از اصلی‌ترین کارویژه‌های قوه قضائیه یعنی تحکیم اعتماد و افزایش سرمایه اجتماعی در کشور را بیش از پیش تحت تأثیر منفی خود قرار دهد و حکم دادگاه نتواند فصل الخطاب سوالات و ابهامات جامعه در خصوص بسیاری از پرونده‌ها باشد؛ چیزی که فقط و فقط از مسیر شفافیت و پذیرش استانداردهای قضایی ممکن خواهد بود.

تیتریک

۲



گزارش یک

نقش وزرای دولت سیزدهم در ثبت سفارش‌های چای دیش اعلام شد

پاسخ قوه قضائیه به طلبکاران

سال‌های قبل مقایسه‌می‌کنیم، مشخص می‌شود که از ۲۰ میلیون تا ۳۰ میلیون دلار افزایش پیدامی‌کند و به میانگین ۱۵۰ میلیون تا ۱۷۰ میلیون دلار می‌رسد. این فرآیند تا مرداد ۱۴۰۱ ادامه پیدا می‌کند. زمانی که ستاک مبارزه با مفاسد اقتصادی ورود می‌کند و این سوءجریان دیده می‌شود، تغییری در نوع کالا رخ می‌دهد. تا مرداد ۱۴۰۱ ثبت سفارش‌ها برای چای بوده و بعد از آن از چای به ماشین آلات تغییر پیدا می‌کند. تاپیش از مرداد ۱۴۰۱ میانگین ثبت سفارشات ماشین آلات ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار بوده اما به یکباره تا ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار افزایش می‌یابد.»

▼ دوزیر در میان متهمان

در میان متهمان پرونده دوزیر وقت نیز وجود داشتند. به موجب حکم صادره سیدجواد ساداتی نژاد و سیدرضا فاطمی امین، وزرای وقت جهاد کشاورزی و صنعت معدن و تجارت به اتهام معاونت در اخلا در نظام اقتصادی کشور به طور عمد و کلان موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، هر کدام به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند، اما دادگاه در اجرای مواد ۳۶ و ۳۷ از قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ از قانون کاهش حبس تعزیری محکومیت سیدجواد ساداتی نژاد را به ۲ سال و محکومیت سیدرضا فاطمی امین را به یک سال تخفیف و کاهش داده است.

عناوین اتهامی انتسابی به متهمان سیدجواد ساداتی نژاد و سیدرضا فاطمی امین بدین شرح است: «(۱) معاونت در اخلا در نظام اقتصادی کشور از طریق عدم جلوگیری و سکوت در تأیید ثبت سفارش‌های مربوط به ماشین آلات چای بیش از نیاز کشور و ظرفیت واقعی تولید در خانه شرکت دیش و افزایش غیرمعمول و بیش از میانگین ادوار گذشته و اختصاص ثبت سفارشات ماشین آلات صنعت چای به یک گروه خاص که منتهی به عدم ایفای تعهدات ارزی و قاچاق ارز توسط مالک گروه شرکت‌های دیش شده است، (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹). ۲- اهماال در انجام وظایف قانونی از طریق عدم مدیریت توزیع متناسب ارز اختصاص یافته به وزارتخانه تحت تصدی، مطابق مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، که موجب تخصیص اموال دولتی شده است، (موضوع ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) ۳- در اجرای ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی رفتار متهمان از مصادیق رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد بوده و این رفتار نامبردگان با دلیل تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور قابل انطباق است. «با توجه به محتویات پرونده از نظر هیئت قضایی دادگاه نامبردگان فوق به عنوان وزارت وقت جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت بنابر دلایل مذکور، از روند صدور ثبت سفارش‌ها و حواله‌های ارزی صادره در حق گروه چای دیش مطلع بودند، ولی برای جلوگیری از آن و یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری بودند؛ اقدام فوری و مؤثری انجام نداده‌اند که به حکم مستند قانونی مذکور، این اقدام متهمان منطبق با عنوان کفری «معاونت در وقوع بزه اخلاک در نظام اقتصادی کشور»، است. طبق رای صادره در این فرض از معاونت برعکس (معاونت موضوع ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی) وحدت قصد بین معاون جرم با مباشر همان جرم ضروری نیست و از نظر هیئت قضایی دادگاه شرط «وحدت قصد» بین مباشر جرم و نامبردگان فوق منتفی بوده و برای تطبیق عنوان اتهامی مذکور برای متهمان سیدجواد ساداتی نژاد و سیدعلیرضا فاطمی امین شرط قانونی نیست.

▼ فروش ارز نیمایی در بازار آزاد

متهم ردیف اول با سوءاستفاده از عدم انجام وظایف قانونی فاطمی امین، ارز نیمایی را از کشور خارج و بخش عمده آن را با نرخ بازار آزاد به فروش رسانده است که این وضعیت نتیجه عملکرد مدیران وزارت صمت است که موجب خروج ارز از کشور و در قبال آن نیز کالایی وارد کشور نگردیده است. پرونده موسوم به چای دیش با گزارش وزارت اطلاعات دولت شهید رئیسی به عنوان اولین گزارش‌دهنده در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت و به موازات آن سایر دستگاه‌ها نیز به این پرونده ورود کرده‌اند، در واقع این اقدام یک تعاملی بین قوه قضائیه و دولت قبل (دولت شهید رئیسی) بوده است.

همچنین نتیجه و ثمره صدور جواز تأسیس و نیز تأیید تقاضای ثبت سفارش بازگان جهت واردات ماشین آلات، در اصل مسئولیت مدیریت توزیع ارز، تنظیم و کنترل روند ثبت سفارش برای واردات که باید بر مبنای سیاست کلان ارزی بانک مرکزی، تقاضای بازار و نیاز کشور مدیریت و نظارت شود، بر عهده فاطمی امین به عنوان وزیر صمت، بوده است. به عبارتی فاطمی امین کلیه مسئولیت‌های

گروه خبر: احکام صادره برای دوزیر دولت مرحوم ابراهیم رئیسی به کام حامیان آنان به قدری تلخ نشسته که در اولین واکنش مدعی شدند خود آن دولت فساد چای دیش را افشا کرد ولی وقتی پای دو عضو همان دولت در میان بود، این توجیه کارگر نیفتاد خاصه اینکه سخنگوی دولت قبل از استعفا ی وزیر جهاد کشاورزی و نه عزل او سخن به میان آورده بود و وزیر صمت هم با استیضاح کنار رفت. بعد از آن در تلاش برآمدند بگویند قصور بوده نه تخلف و اختلاس اما دستگاه قضایی جزئیات ماجرا را منتشر کرد و حالا دیگر چاره‌ای نبود جز آنکه از اصل حکم انتقاد کنند چرا که محکومیت دوزیر دولت سابق آن همه شعار را باطل می‌کرد. قضیه آنقدر حیثیتی شده که عزت‌الله ضرغامی هم که عضو آن دولت بوده جانب وزیران محکوم را گرفت و طعن‌های به دولت پزشکیان زد تا معلوم شود حکم چقدر سنگین افتاده است.

وزیر میراث فرهنگی در دولت سیزدهم و همکار ساداتی نژاد و فاطمی امین در شبکه ایکس نوشت: «در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی، بین مدیرانی که استفاده شخصی نداشته‌اند با سایر فاصله گذاری شود. تشخیص سوءمدیریت احتمالی هم به عهده هیئت منصفه واجد شرایط باشد. مجلس به تقویت نظام مدیریتی کشور ورود کند، اگر برای واردات سبسبزمینی هم از سران قوا مجوز نخواهند!» او در این نوشته خود به نحوی می‌خواهد سوءمدیریت دولت پزشکیان را هم به رخ بکشد و به نوعی اذهان را از سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌های دولت سیزدهم دور کند. البته تنها اعضای دولت ابراهیم رئیسی نبودند که دنبال تطهیر دوزیر دولت سیزدهم برآمدند، محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نیز در صفحه فیلتر شده ایکس خود نوشت: «هر چند که می‌دانم مبنای قانون، قانع شدن بنده و امثال بنده نیست، اما به شخصه از توضیحات برادر عزیزم سخنگوی محترم دستگاه قضا قانع نشدم! دغدغه و نگرانی بستر می‌پیدا کردم خصوصاً که آبروها خدشه‌دار شد و افکار عمومی، بین «فساد» و «ترک فعل» فاصله و تفاوتی قائل نشد. «والله علیم بذات الصدور».

پس از استیضاح وزیر اقتصاد، حالا قوه قضائیه هدف تیربار تندروها قرار گرفته است. ابتدارئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران قوه قضائیه را زیر سوال برد و اظهار داشت: «چرا شکایت او از رسانه منتشرکننده گم شدن ۱۷ هزار میلیارد تومان در شهردار منع تعقیب خورده است؟» او با لحنی از آزه‌ای به عنوان رئیس دستگاه قضا می‌خواهد که شخصاً این پرونده را مطالعه کند، گویی که قصور یا ترک فعلی در قوه قضائیه رخ داده است. اما پس از آنکه حکم دوزیر دولت ابراهیم رئیسی (فاطمی امین و ساداتی نژاد) رسانه‌ای شد، حملات به قوه قضائیه نیز به اوج خود رسید. قوه‌ای که هیچ کس جرأت نداشت به آن انتقاد آرمی داشته باشد حالا آماج تندترین انتقادات آن هم از سوی مدعیان قرار گرفته است؛ به همین خاطر قوه قضائیه در رویکردی غیربجانی بخش‌هایی از پرونده را که حاکی از قصور این دوزیر است منتشر کرده که بخش‌هایی از آن در پی آمده است:

▼ نحوه دریافت ارز توسط شرکت دیش

بررسی میزان ارز نیمایی (غیرترجیحی) تأمین شده گروه دیش غیر از چای (ماشین آلات و...) نیز افزایش چشم‌گیری در سال‌های اخیر داشته است. در سال ۹۹ گروه دیش برای واردات ماشین آلات ۹ میلیون دلار ارز دریافت کرده است. نکته قابل توجه اینجاست که در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ هیچ ارزی دریافت نکرده اما در شش ماهه دوم همان سال ۱۲۳ میلیون دلار ارز دریافت می‌کند و این میزان در سال ۱۴۰۱ با افزایش خیره‌کننده‌ای به بیش از یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار می‌رسد. این افزایش غیرطبیعی واردات چای و ارزهای کلان دریافتی که در اختیار شرکت دیش قرار گرفته است، در حالی رخ داده که برآورد میزان مصرف چای حدود یک الی یک کیلو و سیصد گرم به ازای هر نفر در کشور است. میزان نیاز کشور به چای حدود ۸۰ الی ۱۰۰ هزار تن در سال بوده که حدود ۲۰ الی ۳۰ هزار تن تولید داخل بوده و باقی واردات صورت می‌گیرد. پرونده چای دیش با شکایت بانک مرکزی، بانک‌های دولتی و خصوصی که به عنوان بانک‌های شاکی شناخته می‌شوند (بانک ملت، بانک ملی، صادرات، پارسیان، رفاه کارگران، خاورمیانه، پاسارگاد، آینده، صنعت و معدن، سامان و کارآفرین و ایران زمین) و گزارش‌های متعددی که وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور، گمرکات کشور و پلیس اقتصادی فراجا تهیه کردند و گزارش‌هایی را به مراجع نظارتی دادند، در سال ۱۴۰۰ در دادسرا تشکیل شد. بازپرس پرونده در توضیح دریافت ارز شرکت‌های دیش می‌گوید: «ثبت سفارش‌های گروه شرکت‌های دیش دقیقاً از زمانی که دولت سیزدهم تشکیل و آقای ساداتی نژاد به عنوان وزیر انتخاب می‌شود را با میانگین

رویداد

نامه بیش از ۲۱۰ خبرنگار و روزنامه نگار داخلی به رییس جمهور پزشکیان درباره حوادث جاده‌ای:

برای نه به تصادف گام عملی بردارید
به عنوان دیدبان تحقق مطالبات را پیگیری خواهیم کرد

جناب آقای رئیس جمهور

راه‌اندازی پویش «نه به تصادف» می‌تواند اقدامی ارزشمند و امیدبخش باشد. تحقق این هدف نیازمند گام‌های عملی و قاطع از سوی دولت است. به همین دلیل، از حضرت‌عالی درخواست داریم که با دستور و پیگیری جدی، زمینه‌ساز اصلاحات اساسی در حوزه حمل‌ونقل جاده‌ای شوید. از جمله اقدامات ضروری در این مسیر می‌توان به:

- تهیه گزارشی دقیق از وضعیت نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تدوین برنامه زمان‌بندی واقع‌بینانه برای بهبود وضعیت جاده‌ها؛

- ارتقای استانداردهای تولید خودرو و حذف خودروهای ناایمن از چرخه حمل‌ونقل کشور؛

- بازسازی و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی که طبق آمارها ۸۰ درصد آن فرسوده است؛

- اصلاح قوانین راهنمایی و رانندگی و نظارت بیشتر بر حمل‌ونقل عمومی؛

- افزایش نظارت و بر خورد قاطع با تخلفات مرتبط با ایمنی جاده‌ای. حوادث جاده‌ای یکی از تلخ‌ترین واقعیت‌های کشور ماست که هر سال هزاران خانواده را داغدار می‌کند. ما امیدواریم که دولت چهاردهم با همراهی نهادهای مدنی با رویکردی جدی و عمل‌گرایانه، گام‌های مؤثری برای کاهش تلفات جاده‌ای بردارد تا کمتر شاهد بروز حوادث تلخ جاده‌ای باشیم. ما روزنامه‌نگاران هم به عنوان دیدبان پویش «نه به تصادف» تحقق این مطالبات را پیگیری خواهیم کرد.

با احترام/ جمعی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران



برای دیدن اسامی
لینک مقابل را اسکن کنید

بیش از ۲۰۰ روزنامه خبرنگار و روزنامه‌نگار از سراسر کشور با ارسال نامه‌ای به رییس جمهور پزشکیان خواستار رسیدگی به عوامل موثر در مرگ و میر در جاده‌های کشور شدند. در این نامه آمده است که باید برای «نه به تصادف» گام عملی برداشت و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به عنوان دیدبان تحت مطالبات را پیگیری خواهند کرد. متن نامه به شرح زیر است:

بنام خداوند عادل

جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان

رییس جمهور محترم ایران

باسلام و احترام

ما جمعی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، با یادآوری حادثه تلخ و فراموش‌نشدنی دوم تیرماه ۱۴۰۰، که منجر به جان باختن دو تن از بهترین خبرنگاران ایران، همکاران عزیزمان، مهشاد کریمی و ریحانه یاسینی، در سانحه اتوبوس خبرنگاران محیط زیست شد؛ بار دیگر ضرورت توجه به ایمنی حمل‌ونقل عمومی را گوشزد می‌کنیم. اتوبوسی که در آن روز خبرنگاران را از بازدید پروژه احیای دریاچه ارومیه برمی‌گرداند، فاقد استانداردهای اولیه ایمنی بود و مانند بسیاری از وسایل حمل‌ونقل عمومی فرسوده، جان عزیزان ما را گرفت. در تیرماه همان سال اتوبوس حامل شماری از سرباز معلمان هم در یزد دچار سانحه شد و هفت نفر جان باختند. این حوادث و موارد مشابهی مانند سانحه اتوبوس فرزنانگان کرمان که به تازگی رخ داده است؛ نشان‌دهنده وضعیت اسفبار ناوگان حمل‌ونقل عمومی کشور و رعایت نشدن استانداردهای ایمنی جاده‌ای است.

پس از حادثه اتوبوس خبرنگاران محیط‌زیستی، بیش از ۲۰۰ خبرنگار و فعال مدنی با امضای نامه‌ای خواستار رسیدگی جدی به این موضوع، شناسایی مقصران و اصلاح رویه‌های موجود شدند. اما نکته‌ای این مطالبه به نتیجه نرسید، بلکه همچنان شاهد وقوع حوادث مشابه در جاده‌های کشور هستیم. حوادثی که نتیجه مستقیم فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، کیفیت پایین خودروها، کم‌توجهی به استانداردهای جاده‌ها و کمبود تجهیزات امدادی است.